

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

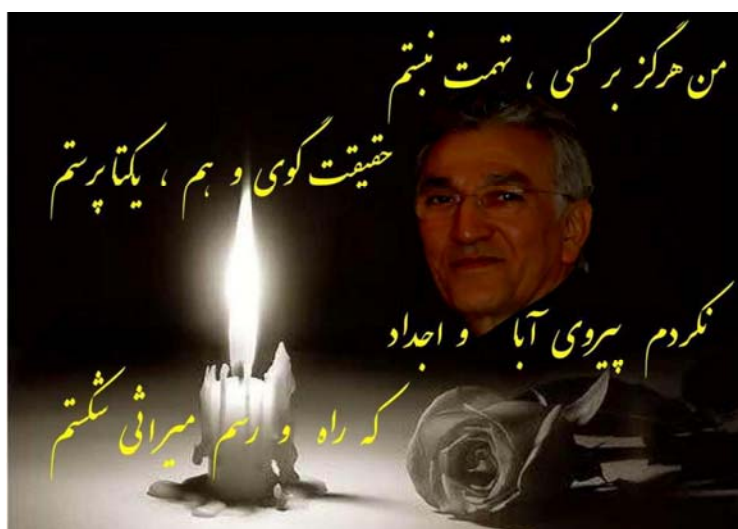
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۸



دل شکن مشهور

پیغام و جیزت را خواندم علن و مجهور
گه رعد و گهی طوفان، گه برق و گهی بوران
پُر نور، ترا رخسار، پُر نار ترا اشعار
ای خوشگل شوخ و شنگ، با حیلۀ رنگا رنگ
نَو آمده در بازار، کُهنه، شده دل آزار
بیهوده چرا کوشش، با حیلۀ مَنه پوشش
«نعمت»! هوس یاری، هرگز نکند دیگر
پُر بود ز ایهام و مفهوم نشد منظور
گه مشکل و گه آسان، محذور و گهی محذور
دُر وار ترا گفتار، ای دل شکن مشهور
بنهاده به صد نیرنگ، بر گردن ماسطور
گشته جگرم صد پار، از مکر تو ای مغرور
تا می نکند جوشش، خون دل این مدحور
تا خاطر مسرور، خوبان نشود مندور

دل شکن مشهور

پیغام و جیانت را خواندم علن و مجبور
پُر بود ز ایهام و، مفهوم نشد منظور
که رعد و کبی طوفان، که برق و کبی بوران
که مشکل و که آسان، محذور و کبی محذور
پُر نور، ترا رخسار، پُر ناز ترا اشعار
دُوار ترا گفتار، ای دل شکن مشهور
ای خوشگل شوخ و شنگ، باجیلد رنکارنگ
بخشاده به صد نیرنگ، برگردن ماسطور
نواخته در بازار، کهنه، شده دل آزار
کشته جگر م صدپار، از مکر تو ای معسور
پیهوده چرا کوشش، باجیلد من پویش
تامی کند جوشش، خون دل این مدحور
«نعمت!» هوس یاری، هرگز نکند دیگر
تا خاطر مسرور، خوبان نشود مسرور